بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین اللهم صل علی محمد وآل محمد

**آموزش قید**

**به کودکان در دوره اول رشد**

مثالها را روی غذا و لباس و نیازهای اصلی ببرید

استفاده از اسم برای نیاز خوردن/برای خواستن پوشیدن/

**مقدمه کل کتاب:**

**در رشد 7 سال اول، آموزش رسمی و اعمال قانون های سرسختانه وجود ندارد، بلکه اصل بر زمینه سازی، تنظیم محیط و کنترل و اصلاح بسترهای پیرامون است و اگر کودک در برابر برخی از مواردی که به آن توصیه شده مقاوت کرد، لازم است برخوردی منعطفانه با او داشت و دنبال راه کارهای بهتر گشت؛ لذا والدین توجه داشته باشند:**

**«نباید با کودکان وارد جنگ شد.»**

قید در دوره اول رشد:

معانی و کارکردهای قید:

* توضیحی
* اختصاص دهندگی
* خاص کردن موضع کلام
* تفصیل دهنده مطالب مطرح شده در کلام

قیود زندگی نیز محدودیتهای آن است.

ابتدا توسط دیگران گذارده میشود و به تدریج خود فرد با تشخیص درونی قیودی را وضع می کنند.

فعال شدن عقل و خرد اساس پرورش قید است و خلافش تعصبات و جهل است.

ظهور ابتدایی در مقاصد و سپس انعکاس در کلام.

آگاهی به مقاصد، قابلیت قیود را بیشتر می کند.

معانی حرف در کلام قیود را ایجاد می کنند.

**انواع قید**:

زمان:

مکان:

داشتن حالت:

فعل:

# مفهوم سببیت و وساطت

هر کاری سببی دارد و به دلیل مشخصی انجام می شود، عمل ها از عمل های دیگر اثر می پذیرند، انسان می تواند در بهتر انجام شدن یا انجام نشدن کارها دخیل باشد، شناخت نقش افکار، باورها اهمیت دارند، اسباب دیگری که کارها را پیش می برند مهمند و... پس دانستن قواعد انجام شدن کارها، ارتباط آنها با هم، موثر بودن انسان، موجودات و اسباب دیگر در محقق شدن یا محقق نشدن آن لازم است.

آموزش این مفاهیم مهم، که انسان را به فهم علت العلل عالم یعنی خدا می رساند و ایمان را در او جاری کرده و زندگی اش را موحدانه می کند، از دوره اول کودکی بصورت مرحله ای و گام به گام آغاز می شود. اگر بتوان در این دوره کودک را تحت آموزشهای درست قرار داد، غایت و سرانجام نورانی ای برایش رقم می خورد.

با آموزش سبب ها و وسائط، در انتهای دوره اول رشد، ویژگی های زیر در کودک نمایان خواهد شد:

* خود را موثر در انجام شدن یا انجام نشدن کارها می داند و می تواند آن ها را تا حدی اصلاح کند.
* مسئولیت کارهای خود و عواقب آن را می پذیرد.
* در شکست های زندگی (در حد خود و فهم خود) به آخر خط نمی رسد و می تواند با بررسی های کودکانه اش راه کاری برای برون رفت پیدا نماید.
* کودک می تواند از ضررها دوری کند و آن را سبب دردها، مشکلات و ... بداند.
* کودک گرفتار تخیلات و امور وهمی نمی شود و می تواند نسبت های واقعی در اتفاقات را بشناسد.
* احساسات درونی اش را شناسایی کرده و در کارهایش می تواند آنها را عامل برخی رفتارهایش نشان دهد.
* و ...

آموزش نادرست اسباب در دوره کودکی در قالب های مختلفی ممکن است نمودار شود، مثلا پرداختن بیش از اندازه به تخیلات و اسباب غیرواقعی در انجام کارها یکی از بیشترین ضررها را برای کودک دارد. این قبیل آموزش ها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در انیمیشن ها، داستان ها و .... بسیار بکارگرفته می شود، اما اثر آن بر کودکان ممکن است اختلالات جبران ناپذیری بر قوه وهم و خیال داشته باشد. نتیجه این نوع برنامه سازی ها، فرورفتن در تخیلات، توجه نکردن به اسباب و قوانین دنیای واقعی، بی اهمیتی به اطرافیان، تلاش نکردن برای بدست آوردن آنچه خوب است، انتظارات و توقعات بی جا می شود.

کودکان به طور معمول خیال پردازی می کنند اما دامن زدن به آن، آن هم به شیوه های غیرمعقول و اغراق آمیز بحران آفرین خواهد بود و گاه باعث اقدامات تقلیدیِ خطرناک می شود. هر قدر زندگی کودک واقعی تر و اتفاقات آن عینی تر باشد نظام وساطت و سببیت آن دقیق تر خواهد بود و کودک دچار توهمات نمی شود.

والدین و مربیان بهتر است بدانند بچه ها چون تجربه کافی از زندگی و برخورد با اشیاء و ... ندارند به زعم بزرگترها بسیار اشتباه می کنند، در برخورد با این اشتباهات، تربیت از حالت افراط و تفریط به تعادل می شود.

مثلا:

تفریط یا رشد نیافتگی در زمینه سببیت: چرا این را شکستی؟ خودش شکست. (که البته در سنین پایین بیان آن مشکلی ندارد)

افراط یا رشد نیافتگی در زمینه سببیت: همه چیز تقصیر من است. من بی حواسم. بلد نیستم.

تعادل یافته آن: چه شد که این شکست؟ دستم خورد، چطور حرکت کنیم دستمان نمی خورد، یا این را چطور بگذاریم که دستمان نخورد.

# سیر آموزش سببیت و وساطت:

**مقطع اول**

لزوم پاسخگویی به موقع والدین به نیازهای طبیعی کودک

از آنجا که کودک به صورت طبیعی مفهوم سببیت را می داند و نیاز خود را به شکل های مختلف بیان می کند، پاسخگویی به موقع والدین در این مقطع باعث اعتماد او به وجود چنین قاعده ای می شود.

می فهمد مادر با غذا مرتبط است. بابا و بغل ارتباط دارد. لالایی با خوابیدن همراه است..

مثلا .....

**مقطع دوم:**

همراهی والدین با کودک برای شناخت سبب های بیشتر

کودک در این دوره تمایل دارد نیازهایش را با به کار بردن اسم بیان کند. او علاوه بر یادگیری اسم، آنچه می خواهد را با تک کلمات بیان می کند. مثلا می گوید: آبَ، بغل، ... او می داند که ارتباطاتی بین اشیا در پیرامونش وجود دارد که لازم است والدین با او در این شناخت همراهی کنند.یعنی وقتی کودک از اسم برای ابراز نیازش استفاده می کند، با رفع نیاز همراه با توضیح در مورد آن اسم کودک را همراهی کنند.

در طی این دوره، همراهی بسم الله الرحمن الرحیم(به عنوان یک اسم که سبب انجام کارهاست) در آغاز کارها آموزش داده می شود.

مثلا.....

اظهارنیاز اما بدون توجه به اینکه همین عامل است یا نه.. و برای برطرف شدن اعلان نیاز می کند..

اسم هایی که برای نیاز لازم دارد را برایش مشخصش کند:

مثلا

**مقطع سوم :**

کودک در این مقطع می تواند نسبت اسامی و اشیاء محیط خود را به کمک حروف «به و با» مشخص نماید علاوه بر این نقش خود را در نسبت با اشیاء و انجام کارها بشناسد.

توان نسبت دادن صریح سببیت به غیر خود؛ سببیت ها را به اشخاص نسبت می دهد، اینکه بابا فلان کار را می کند، مادر بهمان کار...ظاهر می کند نسبت های بین اشخاص و افراد پیرامون خود را... برای انجام شدن یک کار فلانی خوب است... در دوره 4 مشکلی که پیدا می کند می رود از فلانی می پرسد نه بهمانی..(هر کسی نمی تواند برای تعمیر بیاید)...

**طراحی فعالیت**

* **استفاده از کلمات «با» و «به»**
* بازی سوالی:

با چی می توانیم به دیدن مامانی برویم؟

با چی غذا می خوریم؟

* گل را به کی می دهی؟ به من می دهی؟

-مادر چطور شد که افتاد؟

کودک: نمی دانم؛ خودش افتاد

-مادر: دستت خورد؟

کودک: آها

* شعر

من می تونم دکمه هامون ببندم.... شما می تونی دکمه هات رو ببنی؟!

من می تونم لباسامو بپوشم... شما می تونی لباساتو بپوشی؟!

گلدونا رو آب بدم....شما می تونی گلدونا رو آب بدی؟!

* تمیز کردن خانه

مادری که می داند کودک توانایی جمع کردن اسباب بازی را ندارد، با القاهای خود نشان دهد که این کار ساده است و می تواند در این جمع آوری همکاری های لازم را داشته باشد. و در آخر بگوید: آخیییییش چقدر خونه تمیز شد ،الان میشه حسابی بازی کنیم.

**مقطع چهارم:**

* فهم موثر بودن خود در امور

انتظار می رود در این مقطع، کودک بتواند کارهایی که انجام می دهد را به خود نسبت دهد. مسئولیت کارهایش را بپذیرد و در صورت خراب شدن کاری خود را در اصلاح آن توانمند بداند.

آگاهی به احساسات خود، در این دوره مورد توجه قرار می گیرد. مثلا در اوقاتی که کودک بی قرار است بداند سببش چیست، گرسنه یا خوابش می آید یا ... والدین لازم است بر حالات کودک شان اشراف داشته باشنده و آن را به بچه ها معرفی کنند.

والدین بهتر است نقش کودکان را درانجام کارهای خوب پررنگ کنند. مثلا آفرین که غذا می پزی... اگر شما نبودی نمی شد از این همه مهمان پذیرایی کنیم... بخاطر وجود شما ما خانه دار شدیم.

تصادفی را می بیند در موردش شرح سببی می دهد: موتور زد، بیمارستان رفت، امپول زد و مرخص شد.

**طراحی فعالیت**

# مفهوم تعلق و وابستگی

اهمیت آموزش این مفهوم به کودک این است که به تدریج می تواند نسبت بین اشیاء و اشخاص را فهمیده و نسبت به اشیائی که برای خودش نیست، خویشتن داری داشته باشد.

با تکامل این آموزش، یعنی انتهای این دوره، کودک می تواند آزادانه نسبت به حس تعلق برخورد کرده و اشیاء خود را به دلخواه رها کند یا به دیگران بدهد.

جدا کردن کودک از خود و واسپاری او به دیگران از آسیب های این دوره است. چرا که سپردن وی به دیگران، منجر به حس عدم تعلق به داشته هایش می شود.

اگر هر آنچه که کودک به آن تمایل دارد در اختیار او قرار داده شود، حس تعلق او تخریب می شود.

مشاهده تعلق والدین به هم، در کودک بسیار موثر است، چرا که می تواند انواع تعلق ها را بشناسد بین حقیقی و غیر از آن تفاوت را متوجه شود.

تشویق در بخشش از اشیاء خود، برای دستیابی به منافع محسوس بالاتر یکی از وظایف والدین و مربی است. چرا که در دوره کودکی، بچه ها لازم است اثرهای محسوسی از آنچه که از آن می گذرند حس کنند تا بتوانند در دوره های بالاتر براحتی برای منافع معنوی، از آنچه دارند بگذرند.

سیر تحول آموزش

مقطع اول

فهم تکوبنی مالکیت در این دوره به معنای این است که کودک بصورت طبیعی می فهمد مثلا به مادر، شیر مادر، آغوش مادر و ... وابسته است.

برای تقویت این حس می توان فعالیت هایی را ا نجام داد:

1. احساس تعلق به والدین: والدین لازم است به کودک نزدیک باشند تا وابستگی را که او بصورت درونی می فهمد بصورت حسی به او منتقل کنند.
2. تعلق والدین به هم؛ حس کردن ارتباط صمیمی بین والدین توسط کودک بسیار در این مقطع اهمیت دارد.[[1]](#footnote-1)

مقطع دوم

در این مقطع کودک می تواند اشیاء و اشخاصی که متعلق به خود است را شناخته و مالکیتش را نسبت به آن اعلام می کند. این اعلام به صورت آگاهانه نیست بلکه به صورت ضمنی و از روی ناآگاهی مالکیت هایی را برای خود متصور است. مثلا مالکیتش را نسبت به مادر، برخی وسایلی که برایش جالب است اعلام می کند. مامان من، ماشین من، ....

اگر کودک 3 ساله ای کودک دیگری را در آغوش مادرش ببیند، نسبت به این اتفاق واکنش نشان می دهد و این امر در صورتی که همراه با اعتراض شدید و عصبانیت نباشد کاملا طبیعی ست.

گام اول: کمک به اظهار درست مالکیت ها

گام دوم: اظهار مالکیت های طیب

فعالیت های پیشنهادی:

در مقابل خواسته ها و اظهارات او واکنش منفی نداشته باشیم و اگر چیزی می خواهد تا حد امکان به او بدهیم و اگر شدنی نیست به طریقی حواس او را پرت کنیم یا اینکه چیز دیگری را به او بدهیم

**حالت اول: وقتی کودک آنچه را که می بیند می خواهد**

* به عنوان مثال بچه می گوید من از این توپ هایی که در مغازه هست می خواهم
* راهکارها:

1. در صورت امکان برایش بخریم

* 2. حواسش را متوجه چیز دیگری کنیم مثلا بیا ببین این برگ ها چه شکلی اند
* 3. می خواهی برویم منزل با هم بالشت بازی کنیم
* 4. پس بیا همین طور که تند تند می رویم هر جا مغازه توپ فروشی دیدیم به من بگو . چند دقیقه قبل کودک به مادر می گوید اینجا هم توپ دارد مادر: چه چالب ببینیم دیگر چنتا مغازه تو پ فروشی داریم و همین طور .... تا برسیم به منزل و وارد بازی های دیگر می شویم
* تذکر : از آنجایی که کودک بسیاری از چیزهایی را که می بیند می خواهد نباید او را از مقابل هر مغازه ای عبور دهیم و اگر چند وسیله هم شکل برای استفاده چند کودک نداریم انها را در معرض یک وسیله خاص ندهیم تا درگیری ایجاد نشود
* با توجه به اینکه مادر و مربی باید تدبیر و اینده نگری داشته باشند و مرتبا در مخمصه های کودکانه اسیر نشوند لازم است در زمان هایی که قرار است به جمع های کودکانه بروند برای خوراکی و بازی سایر کودکان نیز چاره ای بیندیشند

**حالت دوم: وقتی کودک آنچه دارد را به دیگران نمی دهد**

به عنوان مثال: وسیله اش را به بچه های دیگر نمی دهد.

راهکارها:

1. سعی شود از محیطی که در آن بچه های خردسال هستند دور نگه داشته شود تا وسیله برایش عادی شود.
2. شرایطی فراهم شود که توپش را با خود همراه نکند.
3. به تعداد بچه های دیگر هم توپ بازی با خود ببرد.
4. و...

مقطع سوم

در این مقطع کودک می تواند نسبت مالکیت بین اشیاء و اشخاص را شناخته و آن را بصورت آگاهانه بیان کند برای این کار از کلماتی معنای «برای» دارند استفاده می کند.

در این مقطع کودک توان توسعه ی مالکیت را دارد یعنی می فهمد دیگران هم مالک وسایلی هستند. بنابراین کودک یاد می گیرد که وسایل دیگران برای او نیست.

والدین می بایست به صورت صریح کودک را به عدم تعلق به اشیا راهنمایی کند و البته لازم است این امر بیشتر در رفتارها به کودک انتقال یابد نه با سخن گفتن.

فعالیت ها:

* بازی های چی مال کیه؟
* و ...

مقطع چهارم

کودک در این مقطع توان بخشیدن آنچه به آن وابسته است را دارد و نیز تمایل دارد وسایلش را بین دیگر بچه ها تقسیم کند.

والدین می توانند در این دوره با تشویق کردن کودک به بخشش وسایلش در ازای منافع محسوس و عینی بالاتر این روحیه را در او تقویت نمایند تا کودک بتواند بدون مقاومت و از روی میل آن را پذیرفته و از تعلق های خود -در دوره های دیگر- بگذرد .

این کار کودک(بخشش)، نشانگر حضور ذخیره های معنوی در وجود اوست که نیاز به تقویت شدن یا از بین نرفتن دارد تا در دوره های بعد شکوفا شود.

**فعالیت:**

* **مثال های این بخش را عینا از کتاب طیب گزینی انتقال دهید.**

**مفهوم ظرفیت های موقعیت های زمانی و مکانی**

فهم موقعیت های زمانی و مکانی در این دوره برای کودک همراه با شناخت محدودیت هاست که می تواند کودک را برای درک آن در زندگی آماده کند.

آموزش این مفهوم سبب می شود ظرفیت پذیرش محدودیت های زمانی و مکانی برای انجام کارهایش را در شرایط مختلف زندگی داشته باشد.

فهم محدودیت یعنی به صورت هوشیارانه بداند چه کارهایی در چه مکانها و زمان هایی انجام شود یا انجام نشود. مثلا چه لباسی در چه موقعیتی پوشیده شود یا....

این آموزش سبب می شود در آینده به آسانی احکام و حدود الهی را پذیرا باشد و او را خلاق بار آورده و امکان رسیدن او به خواسته هایش را بالابرده و توان رسیدن به مقاصد را در وی افزایش می دهد.

در آموزش این مفهوم از کلمات «در» و «کجا» و «کی» استفاده می شود ، و لازم است تحریک میل و رغبت او و تغییر ذائقه کودک، در پذیرش محدودیت با تغییر شرایط مختلف مطلوب و خوشایند و نه کراهت

مقطع اول

کودک در این مقطع به صورت طبیعی مفهوم موقعیت را می فهمد، شب بودن، روز بودن و مفاهیم اینچنینی را متوجه می شود. و لازم است والدین در این مقطع، خودشان محدودیت ها را شناخته و رعایت کنند.

طبیعی جلوه دادن محدودیت ها یکی از راه کارهایی ست که والدین در این مقطع انجام دهند.

* والدین به موقعیت های زمانی و مکانی توجه کنند خصوصا در مواقع خلوتهای خود.

مقطع دوم

مقطع اظهار خواست و نیاز متناسب با موقعیت:

کودکان تمایل دارند که در مکان های مقدس مانند مسجد و زیارتگاه حضور یابد و به بازی و شادی بپردازند.

لازم است که بزرگترها بر خویشتن داری و حوصله خود بیافزایند تا حضور در مکانهای دینی با خاطرات خوشایند برای کودکان همراه شود.

همچنین باید به گونه ای برخورد شود که محدودیت­های لازم با خوشی و شادی همراه شده و از مخالفت­ و باید و نباید کردن بی مورد پرهیز شود.

برخورد نرم و منعطف با کودک برای فهم موقعیت کمک کننده است و اعمال خشونت و رفتارهای تحقیر آمیز او را لجباز و خشن میکند.

نکات قابل توجه:

* دوری از ایجاد خاطرات ناخوشایند در مسجد و محل های مقدس
* کوتاه کردن زمان توقف در مساجد برای پیشگیری از اذیت شدن کودکان و بزرگترها
* خاطره سازی­های شیرین از حضور در مراکز دینی و علمی ضمن و توجه به نیازهای کودک مراقبت از رفتارهای کودکانه ی ایشان تا به آسایش و امکانات دیگران آسیب نرسانند، این امر به عهده والدین است.
* دوری از شکل گیری خاطرات خوب در مراسم های گناه آلود

مقطع سوم

کودک در این مقطع می تواند محدود شدن در مکان ها و زمان ها را بپذیرد و به آن تمایل داشته باشد. لازم است این محدودیت ها به نوعی اعمال شود که او احساس آزادی و انتخاب کند.

می شود در خانه 40 متری احساس آزادی و کرامت داشته باشد اما این حس در یک خانه 500 متری با او همراه نباشد.

بهتر است با کودک در رابطه با محدودیت های زمانی و مکانی گفتگو کرد.

والدین می توانند کاری کنند که محدودیت های زمانی و مکانی با احساس آزادی به آنها منتقل شود. برای مثال:

درمحدود کردن زمان دیدن تلویزیون؛

اگر تاکید والدین در محدود کردن زمانی باشد مثلا بگویند فقط نیم ساعت می توانی تلویزیون ببینی، بچه ها مخالفت می کنند اما اگر بگوییم در این نیم ساعت که قرار است تلویزیون تماشا کنی برنامه فلان را می خواهی ببینی یا بهمان را؟! کودک همراه خواهد شد.

قرار گرفتن در محدودیت ها بصورت نظام مند با حس آزادی

پذیرش محدودیت ها/بیان خوشایند و مطلوب از محدودیت

عدم تمایل به آزادی های خطرساز/در نظر داشتن محدودیت های زمانی و مکانی در انجام امور

استفاده از کلمات مقید کننده به زمان و مکان

* برای اینکه هر لباسی را هر جایی نپوشند ما باید برایش زمینه سازی کنیم لذا مثلا قبل از رفتن به مهمانی لباس های کهنه و نامناسب را از کمد او برداشته که او در معرض آن لباس ها قرار نگیرد.

فعالیت:

ما ناچاریم برای اینکه کودک به خود یا دیگران آسیب نزند، محدودیت های زمانی و مکانی اعمال کرد، در موارد زیر:

* زمان خواب
* میزان سر و صدا کردن در میزان با همسایه ها
* میزان رفت و آمد با همسایه ها و فامیل
* بازی کردن در پارک
* محدوده زمانی برای بازی با کامپیوتر و دیدن تلویزیون
* رفتن به اتاق اختصاصی دیگران
* باز کردن در یخچال در مهمانی ها
* آموزش اذن برای ورورد به اتاق اختصاصی والدین در زمان های مشخص (اگر خانه ای دارای 1 اتاق است، آن اتاق مخصوص والدین باشد.)

مقطع چهارم

در این مقطع کودک علاوه بر پذیرش محدودیت ها، خود نسبت به استفاده از آنها هوشیار بوده و محدویت ها را مراعات می کند. و در محدود شدن ها اذیت نمی شود و احساس بد ندارد و از آن برای پیشبرد کارهایش استفاده می کند.

اصرار اینکه هر جایی روند و هر کار کنند ندارند و تمایل به دوری از مکان های ناسالم است.

لذا والدین باید کودک را به مکانهای ناسالم نبرند مثلا پسربچه ها در عروسی به قسمت زنانه و حتی دختربچه ها به مراسم هایی که حدود الهی رعایت نمی شود همراه برده نشوند.

همچنین شرایطی فراهم شود که کودکان در این سن برای کمک کردن به کودکان کوچکتر همکاری کنند.

* آموزش کارهای مخصوص زمان های صبح، عصر، شب(چه کارهایی برای چه زمان هایی است)
* بلند صحبت کردن در مکانهای مختلف، مشخص کردن لباس مناسب برای هر موقعیت، درخواست های مشخص شده در مکان های مختلف

**مفهوم تمایز**

تقویت علم در انسان حاصل تقویت دیدن و شنیدن او نسبت به محیط پیرامون است که سبب می شود موضوعات را متمایز ببیند. کسی که بسیاری از چیزها برایش یکسان است نمی تواند علم چندانی داشته باشد.

نکات ص 106 طیب سخن

* استفاده از کلمه «از» و «چرا»

**مقطع اول**

کودک در این مقطع تمایز را به صورت طبیعی می فهمد. پدر و مادر را به صورت جداگانه می شناسد. پدر پدر است، مادر مادر. لذا کودک باید در محیطی رشد کند که والدین او نیز قدرت تمایز داشته باشند و برایشان تفاوت داشته باشد چه طور زندگی کنند، چه بخورد، چه بنوشد و چه ببیند و ...

نباید اشیاء مضر را در اختیار او قرار دهد، بعد از تولد از رها کردن کودک در مکان های متفرقه و غیرطیب خودداری کند.

**مقطع دوم**

درک تمایز بین اشیا به نحوی که بتواند برای مقاصد خود و کارهایی که می خواهد انجام دهد از وسایل استفاده کند.

**مقطع سوم**

در این مقطع کودک می تواند

* درک فاصله بین خود و کارها و امکان انجام دادن یا ندادن آنها

نمی تواند غذا درست کند، اما می تواند سالاد درست کند

* درک فاصله مکان ها و فهم نسبی زمان

باچند بار خوابیدن می شود پنج شنبه

**مقطع چهارم**

فهم و بیان موقعیت های متمایز

* درک تمایز ویژگی های افراد از نظر خلق و خو
* درک تمایز افراد از نظر نسبت ها و روابط
* درک مسیرهای رسیدن به خواسته ها

**مفهوم قلمرو و محدوده**

* استفاده از کلمه «تا کی» و «تاکجا»

فاصله داشتن از هر چیزی که نیاز و اشتیاق انسان باشد، باعث می شود تا او مقصد پیدا کند و مسیر مشخصی را برای رسیدن به آن در نظر بگیرد.

فهم این مفهوم بدیهی نیازمند دانشی متناسب است زیرا برخی امور ارزش مقصد شدن ندارند و از سویی دیگر چه بسیار مسیرهایی که نباید رفت تا به مقصد ارزشمند نایل شد.

**میدانیم که در هفت سال اول، کودک نباید مرتبا محدود شود و نیاز به حس آزادی در فعالیت های خود دارد اما محدودیت های طبیعی زندگی ایجاب می کند که او در چارچوبی از قید های زمانی و مکانی به فعالیت های خود بپردازد و در طی مراحل رشد خود، مقصددار و راه بلد بشود.**

**مقطع اول**

والدینی که می دانند برای رسیدن به هر مقصدی راه مشخصی وجود دارد خواسته های فرزندشان را درست شناسایی کرده و به درستی پاسخ می دهند.

1. شناسایی انواع گریه و بی قراری های کودک و هم چنین پیشگیری از کلافگی بیش از حد او والدین را به این شناخت های ویژه از نیاز های فرزند و پاسخ های آن می رساند.
2. نباید برای هر سر و صدای کودک به او شیر یا خوراکی داد و او را دچار مشکلات معده یا چاقی کرد. شاید کودک نیاز به توجه و ارتباط چشمی و کلامی، نیاز به بازی و تحرک، نیاز به استراحت، هوای تازه، تماشای مناظر طبیعی، ارتباط با همسالان و... دارد.
3. گاهی کودک نیازهای نامناسبی را ابراز می­کند که لازم نیست به آن پاسخ داده شود در این­صورت می­توان آن را تغییر جهت داد و نیاز مناسب­تری را برآورده کرد. مثلاً کودک بی قراری می کند تا او را بغل بگیرند و راه ببرند در حالی که والدین از این کار خسته می­شوند. می­توان تاب یا ننو مخصوص کودک فراهم کرد یا او را به ارتفاع عادت نداد و در حالت نشسته با او بازی کرد. ایجاد نکردن عادات غلط و نیازهای کاذب خود امر مهمی است که ازین مشکلات پیشگیری می­کند.

**مقطع دوم**

وقتی که کودک نیازهای خود را نمی شناسد اگر به مشکلی برخورد کند فقط اظهار بی قراری کرده و خود و اطرافیانش را کلافه می کند. والدین می توانند به او کمک کنند و خود را بیش از این اذیت نکنند.

ضمن اینکه ایجاد نکردن نیازهای کاذب و عادات غلط از امور مهم این مقطع و مقاطع بعدیست.

**مهارت :**

1. از کودک بپرسیم: **«**اگر گفتی الان چه چیزی لازم داری؟ الان شما تشنه شده ای و می توانی آب بخوری.»
2. بازی هایی را می توان طراحی کرد که در آن از کودک پرسیده شود، وقتی گرسنه هستیم چه کار می کنیم؟ وقتی سردمان می شود؟ وقتی گرم مان می شود؟ وقتی خواب مان می آید؟ و ...
3. می توانیم در فضای منزل یا مهد، بازی هایی با این مضمون طراحی کنیم که فلان وسیله کجاست و چطور می شود آن را پیدا کرد و برداشت.
4. نخریدن سی دی های بازی متعدد، روشن قرار ندادن تلویزیون برای مشغول کردن مستمر کودک، اجازه ندادن های غیر ضرور برای امور مختلف، عادت ندادن به انواع خوراکی ها و رفتارهای مضر از اصلی ترین راهکارهای شناخت درست مقصد و مسیر در زندگی کودک است.

**مقطع سوم**

**در این مقطع می توان با روش های مختلف مقصد و مسیر معین داشتن را تمرین کرد.**

**استفاده از عبارات: «تا کی؟» و «تا کجا؟» بیانگر مفهوم محدوده زمانی و مکانی است**

1. طراحی یا استفاده از انواع مازها می تواند در این رسیدن به این مفاهیم موثر باشد.
2. برای فهم بیشتر محدوده زمانی مثلا به کودک می گوییم، تا وقتی عقربه بزرگ ساعت به این نقطه برسد وقت داریم بازی کنیم.
3. برای فهم محدوده مکانی گفته می شود، برای بازی کردن می توان از این دیوار تا آن یکی رفت و برگشت، یا اینکه گفته شود این ملحفه ای که پهن شده محدوده ی بازی شماست و در این جا می توانی بازی کنی.
4. برای حاضر شدن و بیرون رفتن با کودکان باید وقت کافی در نظر گرفت زیرا آنها سرعت لازم و درک کافی از مراحل مختلف آماده شدن را ندارند، بنابراین برای آنها محدوده ی زمانی مثلا یک ساعته قرار داده و یک یک کارهایی که باید انجام گیرد بیان می شود.

**مقطع چهارم**

**در این مقطع کودک درک کامل تری از واحدهای اندازه گیری زمان و مکان پیدا کرده و می توان دقیق تر برای او محدوده مشخص کرد.**

فعالیت:

1. به کودک میگوییم میتوانی نیم ساعت با این وسیله بازی کنی و اگر از آن بیشتر شود از زمان بازی فردا کم می شود.

می توانی تا غروب منزل مادر بزرگ باشی و بعد از آن حاضر شوی تا با هم به منزل برویم.

1. از او بپرسیم، چه بازی ها یا کاردستی های خوبی بلد هستی تا به دوستانت یاد بدهی به جای بازی با موبایل و رایانه بتوانند با آن بازی کنند.
2. لازم است والدین امکان دسترسی به اینترنت را از اساس برای کودکان فراهم نکنند و امکان بارگیری (دانلود) توسط کودک فراهم نشود. یک یا دو بازی حساب شده و آموزنده را می توان از قبل فراهم کرد و برای استفاده از آن محدوده زمانی و نوع نشستن و استفاده از نور کافی را مقرر کرد. (یادمان باشد که انعطاف داشتن و نجنگیدن با فرزندان از اصول اولیه است.)

**مفهوم تفوق و تسلط**

مفهوم تسلط و تفوق از مفاهیم مهم زندگی کودک است که رمز حرکت و تلاش آگاهانه او در دوره های بعد خواهد بود. برطرف کردن ضعف، نیاز و ناتوانی کودک در صورتی ممکن می شود که وی به فردی دانا و توانا متکی شود.

توجه به اشیاء، اشخاص و پدیده ها و ... که قدرتمند و مسلط هستند از جذابیت ها و ضروریت های زندگی کودک است.

کسی که در زندگی اش آدم های بزرگ را دیده، پای حرف آنها نشسته، با نگاه بلند آنها به حقایق زندگی و دارایی های جهان نگاه کرده باشد این قوت درونی را پیدا می کند که به توان ها و استعدادهای بلندتری در باورها و صفات و رفتارهایش نایل شده و روز به روز بزرگ تر شود.[[2]](#footnote-2)

از فعالیت های عمومی دوره اول رشد، داشتن دعاهای بلند، آرزوهای بزرگ و تفصیلی برای فرزند است این توجه به تدریج در کودک شکل می گیرد و کم کم باورها، از این ناحیه در او رسوخ می یابد.

**مقطع اول**

در این مقطع کودک بطور طبیعی کلیاتی از تفوق و تسلط را درک می کند

مهارت :

1. والدین می توانند از ماه های قبل از تولد تا انعقاد نطفه، دوره ی بارداری و پس از آن با دعاهای بزرگ خود، زمینه ساز ظرفیت های عالی برای خود و فرزندانشان بشوند.[[3]](#footnote-3)
2. نسبت دادن نام ها و صفات نیکو به فرزند عامل بزرگی کودک و رشد یافتگی او در سالهای بعد می شود.[[4]](#footnote-4)

**مقطع دوم**

کودک احساس می کند هر کسی که از او بزرگ تر است، قدرت انجام هر کاری را دارد. هم چنین موجودات و افراد قوی را بسیار دوست دارد. شاید به همین دلیل است که علاقه ویژه ای به دایناسور، سوپرمن و غیره دارد ولی این ما هستیم که باید به جای الگوهای غلط و موهوم شخصیت های دارای ارزش های حقیقی را برای او معرفی کنیم.

**مهارت :**

1. در اختیار گذاشتن سرود ها، بازی ها و انیمیشن هایی که به شخصیت های حماسه آفرین، شجاع و با ایمان می پردازند یا بطور کلی درباره شجاعت و قدرت در مسیر ولایت پذیری و ایمان صحبت می کنند.
2. با توجه به اینکه کودکان هنوز قدرت تجزیه و تحلیل کاملی ندارند اگر آنها را به تعزیه ببریم و احساس کنند که مثلا شمر توانسته بقیه را بکشد ممکن است او را به عنوان شخصیت قوی و برتر شناسایی کرده و بگوید ازین به بعد من شمر هستم.
3. اگر مقابل کودک از توان موشکی یا علمی دنیای غرب و استکبار و صحبت کنیم ممکن است به خاطر احساس قوت و قدرت به آنها گرایشی درونی و مخفی پیدا کند. ( توضیح در مورد

**مقطع سوم**

برای تنظیم گرایشات کودک در این مقطع می توانیم از عبارت "چه کسی قوی تر است" استفاده کنیم.

به عنوان مثال: از موضوعاتی نظیر قوی شدن، بزرگ شدن، قد بلند شدن و شجاع بودن به عنوان ملاک های برتری در باره آدم ها و کارهای خوب استفاده کنیم.

در این دوره کلماتی مثل «بر» و «بالا» بیشتر قابل درک می شوند و خوب است با توجه به آنها فعالیت هایی را انجام داد.

خوب است برای کودک مطرح شود که هر کدام از اطرافیان در چه زمینه ی خاصی مهارت و قوت دارد. این باعث می شود که از مطلق گرایی در انتخاب الگو درآمده و صرفا یکی را خیلی خوب و یکی را بی خاصیت فرض نکند. . در این صورت کودک افراد مختلف را همراه با توانایی ها و برتری هایشان می شناسد و می تواند هر کس را به دلیلی دوست داشته باشد.

**مهارت :**

1. پدر به عنوان شخصیتی قوی و ارزشمند و الگویی ویژه به کودک معرفی شود و خودِ پدر نیز در روند رشد فرزندش تلاش کند تا چنین شخصیتی بشود.
2. از حقوق فرزند است که پدر او به مادرش احترام بگذارد. این بزرگداشت و تکریم تاثیر مستقیمی در ولایت مدار شدن کودک دارد و به مرور او را اهل اجازه و ادب و اطاعت می گرداند.
3. عنوان کردن اینکه هر کسی قوی تر است می تواند به من کمک کند یا هر کسی که این سوره را حفظ کند قوی تر میشود.
4. لازم نیست برای تشویق و امتیاز دادن صرفا از امکانات مادی استفاده کنیم. می توانیم در جدولی که برای کارهای خوب ترسیم شده عکس کودک یا ستاره های او را بالا و بالاتر ببریم .
5. به کودک بگوییم عکس هر کدام از اطرافیانش را نقاشی کند و با هم در این باره گفتگو کنیم او در چه زمینه ای قوی و تواناست. مثلا مامان را دوست دارم چون خیلی مهربان است، بابا را دوست دارم چون با ما کشتی میگیرد، داداش را دوست دارم چون خیلی سریع می دود. عمو ... دایی ... مادربزرگ ...

**مقطع چهارم**

کودک در این سن می تواند به فهم و بیان بهتری نسبت به تسلط و تفوق اشخاص و اشیا برسد. لذا برای سوالات مختلف او را به افراد توانمندی در زمینه های مختلف ارجاع داد.

بسیار خوب است کودک را در زمینه های مطلوبی تقویت کنیم تا در جمع های فامیل و اطرافیان این توانایی ها را اظهار کرده و خود را با هویتی قوی و اثرگذار بشناسد. این هویت سازی ممکن است تا آخر عمر با او بماند پس مراقب باشیم عامل هویت سازی منفی مثل علاقمند کردن به سازهای موسیقی و شخصیت­ها و رفتارهای ناشایست نشویم.

مهارت :

1. به کودک آموزش دهیم اذان و تکبیر بگوید، شعرهایی دارای مفهوم و زیبا را بخواند، کاردستی های خوبی را بسازد، لطیفه و ضرب المثل های مختلفی را بیان کند و در کارهای مفید و شاخصی کمک کند. مثل نگهداری ازکودکان کوچک تر، درست کردن نان، غذا یا دسر خاص، کاشت و نگهداری از چند گیاه و ...
2. ضمن گفتگوهایی که در جمع های کودکانه برایشان مطرح می کنیم از آنها بخواهیم آرزوهای بزرگی را مطرح کنند.
3. بصورت عینی و قابل درک برای کودک داستان های زندگی انبیا، اهل بیت، علما، شهدا و بزرگان ارزشی را نقل کنیم.
4. از او بپرسیم وقتی پرندگانی که آن بالا نشسته اند یا پرواز می کنند را میبینی یا به کوه نگاه می کنی چه چیزهایی به نظرت می رسد؟
5. با او به کوه برویم از عظمت و ویژگی های منحصر به فرد کوه بگوییم و گاهی از آن بالا سطح شهر را نگاه کنیم و ببینیم چه فکرهای جالب تری به ذهن مان می رسد. مثلا بپرسیم به نظرت ادم ها در این خانه ها دارند چه کار می کنند؟ چه چیزهای می خورند؟ چه بازی های می کنند؟ کدام هایشان خوشحال ترند؟ چرا؟ کدام هایشان ناراحتند؟ چرا؟ اگر چه کار می کردند بهتر بود؟ اگر تو سرپرست اینها بودی و می خواستی خوشحال شان کنی و ناراحتی و ضعف و نداری شان را برطرف کنی چه می کردی؟ اگر می توانستیم از این هم بالاتر برویم دوست داشتی تا کجاها بروی و کجاها را ببینی و کجاها را نبینی؟

1. این اصل در همه دوره اول رشد مورد توجه است. [↑](#footnote-ref-1)
2. : شهید تهرانی مقدم: تنها انسان های ضعیف هستند که می توانند به اندازه دارایی ها و امکانات خود کار کنند. [↑](#footnote-ref-2)
3. : ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قره اعین و اجعلنا للمتقین اماما... خداوندا همسر و فرزندان ما را نور چشم قرار بده و ما را امام متقین بگردان. [↑](#footnote-ref-3)
4. : ر.ک کتاب ظهور ولایت و تادیب نطق در هفت سال اول از همین انتشارات [↑](#footnote-ref-4)